

افسانه تاریخی

لازیکا

حیدر علی کمالی

با مقدمه و تحلیل

محمد یارسانسب

بازخوانی و ویرایش

مهری لطیفی



انتشارات
تمدن علم

سرشناسه	: کمالی اصفهانی، حیدرعلی .
عنوان و نام پدیدآور	: افسانه تاریخی لازیکا/حیدرعلی کمالی؛ بامقدمه و تحلیل محمد پارسانسپ.
مشخصات نشر	: تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۴۵-۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: داستان‌های تاریخی
شناسه افزوده	: پارسانسپ، محمد، -، مقدمه نویس
شناسه افزوده	: لطیفی، مه‌ری، ویراستار
رده بندی کتبه	: ۱۳۹۳ ۱۶۶الف۲۴/م PIR۸۱۸۴
رده بندی دیوبی	: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۱۱۵۰۰



انتشارات
تمدن علمی

افسانه تاریخی لازیکا

حیدرعلی کمالی

با مقدمه و تحلیل: محمد پارسانسپ

بازخوانی و ویرایش: مه‌ری لطیفی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۴۵-۷-۲

فهرست مطالب

۷	درآمدی بر رمان تاریخی فارسی
۱۳	مقدمه
۱۹	۱- پری دخت
۲۷	۲- فرشید موبد
۳۵	۳- سرای تیرداد
۵۳	۴- بیژن
۶۹	۵- فریب خوردن گلباد
۷۹	۶- گوهر که بوده است؟
۹۹	۷- بازگشت بدی
۱۱۱	۸- بهرام
۱۲۳	۹- فرود
۱۴۱	۱۰- اسناد جاسوسی
۱۵۵	۱۱- سقوط پترا
۱۶۷	۱۲- مهران
۱۷۹	۱۳- روم
۱۹۳	۱۴- محاکمه

درآمدی بر رمان تاریخی فارسی

تاریخ و روایت تاریخی در همه حال مخاطبان خاص خود را دارد، به ویژه زمانی که در هیأت داستانی تخیلی عرضه شود. در سال‌های آغازین مشروطیت، در ایران رمان‌هایی نوشته شد که اگرچه ریشه در ادبیات کهن فارسی داشت، به شدت از ادبیات جدید اروپا تأثیر پذیرفته بود. این نوع ادبی که امروزه رمان تاریخی نامیده می‌شود، از یک منظر، ریشه در داستان‌های عامیانه فارسی، نظیر سمک عیار، داراب‌نامه، اسکندرنامه، ابومسلم‌نامه، بهمن‌نامه و امثال این‌ها داشت و از خیل آثار ادب رسمی نیز، با شاهنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی و برخی کتب تاریخی، نظیر تاریخ بیهقی، پیوند می‌خورد و از سوی دیگر، از نظر فرم و تکنیک داستانی، شبیه رمان‌هایی بود که کمی پیشتر از زمان نگارش آن‌ها، از زبان فرانسه یا ندرتاً از زبان عربی، به فارسی برگردانده شده بودند؛ هم‌چون ترجمه آثار والتر اسکات، ویکتور هوگو، الکساندر دوما، پدر و پسر، از نویسندگان فرانسه و برخی آثار جرجی زیدان مصری. از این رو، رمان‌های تاریخی اولیه فارسی، اگرچه پیوندی استوار با ادبیات و

فرهنگ ایرانی داشتند، ظهورشان در این برهه زمانی (سال‌های پس از مشروطیت)، به شدت، متأثر از ترجمه آثار اروپایی بوده است.

رمان تاریخی، هم در زادگاه خود، یعنی کشور فرانسه، و هم در ایران، نوع ادبی انقلابی به شمار می‌رفت و ارزندگی و خصلتی چندگانه داشت: نخست آن‌که تصاویری زنده و گویا از تاریخ گذشته، پرافتخار و غرورآفرین ملت‌ها عرضه می‌کرد؛ بر آگاهی تاریخی آن‌ها می‌افزود و حساسیت آن‌ها را نسبت به گذشته خود، برمی‌انگیخت؛ همین امر، باعث می‌شد تا نوعی از غرور مبتنی بر آگاهی در ملت‌ها ایجاد شود و به پیدایی حس وطن‌پرستی بینجامد. دیگر آن‌که، ملت‌هایی چون ملت ایران، با مقایسه گذشته پرافتخار با امروز رو در انحطاط، و با کندوکاو در چرایی این انحطاط، با نقد و انتقاد آشنا شدند و حکومت‌ها را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو کردند. سوم این‌که، این رمان‌ها، از موضوعات متنوع تاریخی سخن می‌گفتند که چون با امروز فاصله داشت، خواندشان هیجان‌انگیز بود و چون، آکنده از حوادث پررنگ و لعاب تاریخی بود، طیف‌های مختلف خوانندگان کم‌سواد یا میان‌مایه را نیز به خود جلب می‌کرد؛ هم از این رو، ترجمه و نگارش رمان تاریخی در ایران، زمینه‌ساز توسعه کتاب و کتاب‌خوانی شد.

رمان تاریخی نویسی در ایران به چند دوره تقسیم‌پذیر است: دوره اول، از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰ ش: در آغاز این دوره (سال ۱۲۸۴ ش)، نخستین رمان تاریخی فارسی، یعنی شمس و طغرای محمدباقر میرزا خسروی، در باره تاریخ عصر مغول به نگارش درمی‌آید و پس از چندی، با نوشته شدن سه رمان عشق و سلطنت

(۱۲۹۵ش) موسی نثری همدانی در باره تاریخ هخامنشی، داستان باستان (۱۲۹۹ش) محمدحسن خان بدیع، در موضوع حکومت کوروش هخامنشی و دامگستران (۱۳۰۰ش) صنعتی زاده کرمانی، پیرامون وقایع سال‌های پایانی حکومت ساسانی و ورود اسلام به ایران، پرونده این دوره بسته می‌شود. این دوره کوتاه، اما مهم را باید سرآغاز آشنایی ایرانیان با نوع ادبی رمان و پدیده رمان‌نویسی، به ویژه رمان تاریخی دانست و آثار پدیدآمده در این عصر را، باید جزو رمان‌های تاریخی اصیل اولیه، به شمار آورد. هدف اصلی این نویسندگان از پرداختن به تاریخ با رویکرد داستانی، غالباً بیدار کردن حس وطن‌دوستی، به یادآوردن مجد و عظمت ایران قدیم، و نیز آموزش تاریخ به کتاب‌خوانان بوده است.

دوره دوم، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش: در این فاصله بیست ساله، به دلیل تأثیرگذاری رمان‌های تاریخی نسل اول بر جامعه و آشنایی مخاطبان با محتوا و کیفیت این قبیل آثار، و نیز، اهمیت یافتن مطالعات تاریخی در نظر ایرانیان و حمایت‌های آشکار و پنهان حکومت پهلوی از این جریان فرهنگی، رمان‌نویسی و رمان‌خوانی گسترش می‌یابد و قریب به بیست عنوان رمان تاریخی نوشته می‌شود. این دوره، هم به لحاظ کمی و هم از جهت کیفی، دوره شکوفایی رمان تاریخی فارسی است. نویسندگان این دوره، علاوه بر دنبال کردن اهداف نسل اول، به جهات داستانی و هیجانی رمان‌های خود نیز نظر دارند و بیشتر از آن‌که وقایع تاریخی را موضوع کار خود قرار دهند، قهرمان‌پروری می‌کنند. از مهم‌ترین رمان‌های تاریخی این دوره‌اند: داستان مانی نقاش در باره زندگی مانی پیامبر و سلحشور در

باب زندگی اردشیر بابکان، هر دو از صنعتی زاده کرمانی؛ جفت پاک در باره فردوسی، از حسینقلی سالور؛ عشق و ادب در موضوع زندگی فردوسی از آزاد همدانی؛ شهریانو در باب رخدادهای تاریخ عصر ساسانی، از رحیم زاده صفوی؛ مظالم ترکان خاتون در باره خوارزمشاهیان و لازیکا در باب حکومت ساسانی، از حیدرعلی کمالی؛ محمود افغان در راه اصفهان از حسین مسرور؛ و

دوره سوم، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش: در این دوره دوازده ساله، به دلیل روی کار آمدن پهلوی دوم و باز شدن نسبی فضای سیاسی کشور، رونق گرفتن داستان کوتاه و رواج بازار مطبوعات انتقادی، از رونق رمان تاریخی نویسی به شیوه پیشین کاسته می شود. در عوض، نوعی از رمان تاریخی پدید می آید که بیشتر وجه سرگرم کنندگی دارد و غالباً به صورت پاورقی مطبوعات و یا ضمیمه روزنامه ها منتشر می شود. این آثار، غالباً از غنای محتوایی کافی برخوردار نیستند و اطلاعات تاریخی بسیار و دقیقی در اختیار خواننده نمی گذارند. هم چنین به دلیل شتابزدگی در چاپ، از جهت تکنیک، زبان و ساختار هم، گرفتار ضعف هایی هستند. طیف مخاطبان این آثار نیز برخلاف آثار نسل اول، چندان جدی و کتاب خوان حرفه ای نیستند و بیشتر، این آثار را با هدف ارضای عطش هیجان و حادثه می خوانند.

دوره چهارم، از ۱۳۳۲ تا امروز: از سال ۱۳۳۲ش به این سو، رمان تاریخی فارسی دوره در پیش گرفته است:

برخی از رمان ها، هم چنان با هدف سرگرم کنندگی نوشته می شوند. موضوع این رمان ها یا به تعبیری دقیق تر پاورقی های تاریخی، گزارش دل و دلدادگی های عشاق بر بستر تاریخ است که

چون با هیجانات تاریخی همراه می شود، خوانندگان فراوانی از طیف متوسط جامعه پیدا می کند. این گونه از رمان ها را می توان رمان تاریخی رمانتیک نامید و از نامبردارترین نویسندگان این طیف، از حسینقلی مستعان، شاپور آرین نژاد، حمزه سردادور، ناصر نجمی، احمد احرار، صدرالدین الهی، اصغر الهی، ابراهیم فخرایی، صادق جلالی، ابراهیم زمانی آشتیانی و ... یاد کرد. البته در این میان هنوز نویسندگانی چون عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی و حسین مسرور حضور دارند، که هنوز به شیوه رمان تاریخی نویسان نسل اول می نویسند و در کنار جاذبه آفرینی های داستانی، به آموزش تاریخ، ارتقای فرهنگ و آگاهی جامعه نظر دارند.

طیف دوم از رمان های تاریخی، با صرف نظر از تاریخ قدیم، و پرداختن به تاریخ معاصر، و توجه به وجوه واقعی زندگی مردم، نوعی از رمان تاریخی واقع گرا را پدید می آورند که در عین شباهت به رمان های تاریخی و توجه به زمان تاریخی، از جنبه های واقعی رمان های رئالیستی نیز بهره مندند و هم از این رو، اغلب وجه انتقادی دارند. محمود اعتمادزاده (به آذین) با نوشتن دختر رعیت (۱۳۳۱) به موضوع نهضت جنگل می پردازد؛ سیمین دانشور در رمان پرخواننده سووشون (۱۳۴۸) به ترسیم تاریخ ایران در جنگ جهانی اول روی می آورد و حوادث سیاسی - اجتماعی عصر را با داستان پیوند می زند؛ غلامحسین ساعدی در رمان توپ، تاریخ عصر مشروطه و حضور روس ها در منطقه آذربایجان را موضوع داستان خود قرار می دهد و در رمان غریبه در شهر (۱۳۶۹) به چگونگی شکل گیری مبارزه برضد متجاوزان روس در عصر مشروطه، توجه

می‌کند. رمان‌های سه‌گانه احمد محمود، یعنی همسایه‌ها، داستان یک شهر (۱۳۶۰)، و زمین سوخته (۱۳۶۰) در سه دوره متفاوت رخ می‌دهد؛ در نخستین رمان، سال‌های پرتحرک ده ۱۳۳۰ تصویر می‌شود؛ داستان یک شهر، گزارشی است از دستگیری و تیرباران افسران سازمان نظامی و درخشان‌ترین تصویر ممکن از سال‌های پس از شکست ۱۳۳۲؛ و بالاخره، زمین سوخته، اوضاع شهرهای مرزی ایران در جنگ هشت‌ساله را گزارش می‌دهد. در تمام این رمان‌ها، زندگی مردم با تاریخ معاصر و وقایع عصر پیوند داده می‌شود. منصور کوشان نیز در رمان کوتاه محاق، تأثیر جنگ بر زندگی روشنفکران را توصیف کرده است. از دیگر تاریخی‌نویسان معاصر می‌توان اسماعیل فصیح، قاضی ربیحاوی، مسعود بهنود را نام برد. رمان تاریخی واقعگرا زیرشاخه‌ای با عنوان رمان تاریخی واقعگرای ذهنی دارد که در آن، نویسنده به جای پرداختن به چهره بیرونی وقایع تاریخی عصر، برخلاف آن چه در رمان تاریخی واقعگرای عینی می‌گذرد، به بطن و درون تاریخ رجوع می‌کند و می‌کوشد تا جوهر تاریخ را بازنماید. نظیر آن چه در شازده احتجاب گلشیری، سنگ صبور صادق چوبک؛ دل کور اسماعیل فصیح؛ شب هول هرمن شهزادای؛ قصه‌های کوچه دلخواه از اسلام کامیه؛ نماز میّت رضا دانشور، و دایی جان ناپلئون ایرج پزشک‌زاد رخ می‌دهد.

با این مقدمات، می‌توان دریافت که رمان تاریخی، چگونه به نوع ادبی مقتدر و مسلطی بدل شده و پیوند محکمی با مسایل اجتماعی و سیاسی زمانه یافته است و به همین دلیل، از گذشته تاکنون، در میان اقشار مختلف جامعه، مخاطبان خاص خود را دارد.

مقدمه

حیدرعلی کمالی (تولد: ۱۲۴۸ ش در ابرقو - وفات: ۱۳۱۵ ش در تهران)، شاعر، نویسنده و منتقد مشروطه‌خواه، تا سن بیست‌وسه سالگی از تحصیل علم بی‌بهره بود. پس از آن، در مدتی کوتاه، خواندن و نوشتن فارسی را آموخت و به شعر و ادبیات علاقه‌مند شد و چون در گفتن شعر، صاحب ذوق بود، به انجمن ادبی اصفهان راه یافت. اشعاری سرود و در میان اقران خود به شهرت رسید. بعدها، به تهران آمد و با آزادی‌خواهان عصر مشروطه آشنا شد و همزمان با انقلاب مشروطه در ایران، وارد مبارزات سیاسی گردید و اشعاری تند و کوبنده در راه به دست آوردن مشروطه و آزادی سرود و در نشریات آن زمان، مانند بهار، ایرانشهر و ارمغان به چاپ رساند. شعر کمالی سرشار از روح سلحشوری، حمیت ملی و قومی بود و اشعار وطنی او تأثیر بسیاری بر اذهان مردم گذاشت. حیدرعلی کمالی در سال ۱۲۶۷ قمری، روزنامه پیکار را در تهران منتشر کرد. این روزنامه که ارگان



حزب اجتماعیون اعتدالیون (سوسیالیست انقلابی) بود، پس از مدتی تعطیل شد. پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، وی مدت‌ها از سیاست کناره گرفت تا این‌که در مجالس نهم و دهم، به وکالت انتخاب شد.

از آثار کمالی، علاوه بر *رمان‌گونه مظالم ترکان خاتون*، *رمانی دیگر* با عنوان *افسانه تاریخی لازیکا* در دست است. *عبدالحسین زرین‌کوب* معتقد است که *رمان تاریخی فارسی*، از *محمدباقر میرزا خسروی* تا *شیخ موسی نثری همدانی*، *یحیی دولت‌آبادی*، *صنعتی‌زاده کرمانی* و *رحیم‌زاده صفوی*، *تکاملی پیدا نکرده*، مگر در آثار *حیدرعلی کمالی*. *حسن میرعابدینی* نیز، *داستان‌های تاریخی کمالی* را به سبب *برخورداری از شم تاریخی صحیح و پرداخت زیبای شخصیت‌ها*، ستوده است. از کمالی، علاوه بر آثار *داستانی*، *دیوان شعری* برجاست که به *همت خان ملک ساسانی* در *استانبول* به چاپ رسیده است. وی هم‌چنین، *گزیده‌ای از دیوان صائب* فراهم آورده است.

رمان تاریخی لازیکا

رمان تاریخی یا *افسانه تاریخی لازیکا* نوشته *حیدرعلی کمالی* (۱۲۴۸-۱۳۱۵ ش) شاعر و نویسنده مشروطه‌خواه که در سال ۱۳۰۹ ش، در چهارده فصل و ۱۶۶ صفحه و در قطع رقعی به چاپ رسیده است. *لازیکا* دومین داستان خواندنی است که کمالی، در موضوعات تاریخی نوشته است. *زمان داستان*، عصر حکومت خسرو انوشیروان ساسانی یعنی فاصله سال‌های ۵۵۰ و ۵۵۱ میلادی است.

و این فاصله، زمانی ست که ایران بر امپراطوری روم غلبه کرده، بخش‌هایی از آن، از جمله بندر پترا، واقع در لازیکا را به مستعمرات خود افزوده است. از سوی دیگر، روزگاری ست که انوشیروان به شدت پیروان آیین مزدک را سرکوب می‌کند و موبدان زردشتی، میدان وسیعی برای تاخت و تاز خود یافته‌اند. موضوع اصلی لازیکا، شرح کشمکش‌های موبدان با طبقه اشراف و نجبا در عصر ساسانی است. در داستان لازیکا، کمالی با دیدی انتقادی به تاریخ گذشته می‌نگرد. هدف او از تألیف چنین داستانی در مرتبه نخست آن است که نقش اشرافیت دینی (موبدان و مغان زردشتی) را در ساختار اجتماعی جامعه عصر ساسانی به نمایش بگذارد. موبدان که پس از سرکوب پیروان مزدک، قدرتی تازه یافته‌اند، اینک در پی دست‌اندازی به جان و مال مردم و گسترش نفوذ خود در دستگاه حاکمیت سیاسی برآمده‌اند. اینان به تعبیر نویسنده «از انباز بودن دین با دولت، سود خود و زیان مردم می‌جویند؛ با تجمل شاهانه زندگی می‌کنند؛ همه چیز این جهانی را برای خود می‌خواهند و اگر کسی برخلاف ایشان سخن گوید، او را بی دین می‌خوانند.» این مضمون اصلی، در سرتاسر داستان به شکل‌های مختلف تکرار می‌شود. حتی نویسنده با آوردن داستان فرعی «گوهر چگونه زنی بود؟» در رمان، بر آن است تا این اندیشه را بهتر و عمیق‌تر پیورود. به هر حال تصویری که در داستان لازیکا از موبدان ارائه می‌شود، زشت، نفرت‌انگیز و تا حدی اغراق‌آمیز است. نویسنده، تمام کج‌روی‌ها و انحرافات عقیدتی بروزکرده در میان مردم را محصول بی‌ایمانی و زیاده‌خواهی‌های

موبدان می‌داند.

علاوه بر این، کمالی در لابلای داستان خود، اندیشه‌های دیگری را نیز پرورانده است که از دیدگاه‌های اصلاح طلبانه و تجدّدخواهانه او حکایت دارد. مخالفت او با اشرافیت سیاسی پوسیده‌ای که تا روزیود حکومت‌های ایرانی را تشکیل می‌داده و تا دوران زندگی نویسنده نیز البته به شکلی دیگر در دستگاه‌های حاکمه حضور داشته‌اند، نمونه‌ای از این موارد است. او معتقد است که «در ایران تا بوده همیشه اقتدار در دست قسمت ممتاز بوده یعنی این مرزوبوم غیر از حکومت اشرافی، حکومتی به خود ندیده است.»

اشاره نویسنده به «یونان» که پرچم‌دار قانون‌مداری و مدنیت بوده، تأکیدی است بر نفی حاکمیت اشرافی در ایران. از این روست که در جای‌جای اثر خود، از لزوم حاکمیت قانون و برقراری برابری و برادری در جامعه، سخن می‌راند.

در نظر او، «هر وقت آیین‌گذاری در این کشور، آیینی بیاورد که مردم را در آن همپایگی و برابری باشد، بیش‌تر ایرانیان آیین او را گردن می‌نهند.» و براساس همین دیدگاه، به شدت از طبقه فرودست جامعه حمایت می‌کند. او با اشاره‌ای که به وضع معیشت این طبقه از مردم در زمان حکومت ساسانیان دارد، در حقیقت از پریشانی ساختار اجتماعی جامعه عصر خویش شکایت می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که کمالی، به عنوان سوسیالیستی انقلابی که در سال ۱۲۶۷ شمسی روزنامه پیکار را منتشر می‌کرد، دیدگاه‌های تند و افراطی خود را به شکل ملایم‌تر و منطقی‌تری در این داستان رقم زده است.



به هر روی، با مطالعه داستان لازیکا، خواننده، هم با وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر ساسانی و اخلاق و روحیات مردم آن عصر آشنا می شود و هم بر دیدگاه های انقلابی و اصلاح طلبانه نویسنده درباره ساختار سیاسی و اجتماعی روزگار مشروطه و پس از آن وقوف می یابد. در این سطح، افق سیاسی عصر رضاشاه نمایان می شود که پیدایش نظام اجتماعی جدید، نظامی غیرمذهبی بر پایه تفکیک قدرت ها، میراث مستقیم آرمان مشروطیت، وجه تمایز آن است. (پیدایش رمان فارسی، ص ۳۸۸)

کمالی با رودرو قرار دادن موبدان زردشتی و اشراف زادگان عهد ساسانی، بر آن است تا ابتدا تأثیر اختلافات داخلی را در تضعیف اقتدار ملی و فراهم آوردن زمینه های سقوط ساسانی تحلیل کند و سپس، تصویری از همین اختلافات را که در عصر انقلاب مشروطیت و پس از آن پیدا شده، به نمایش بگذارد. البته این که نویسنده، در این اثر بیش تر انتقادات خود را متوجه اشرافیت دینی کرده است به معنی وابستگی او به جناح مخالف (اشراف زادگان) نیست؛ چرا که اولاً در لابلای داستان، بی اعتمادی خود را نسبت به اینان نیز به صراحت بازگو می کند. درثانی، ساختار و فضای کلی داستان بر این امر دلالت دارد که اشراف زادگانی چون رهام کشواد، مهران سپهد، فریرز و پریدخت نیز در رفع مشکلات و موانع ناتوانند و هم چنان که پایان داستان روشن می کند از دست این گروه نیز کاری ساخته نیست. پس باید «فرو» نامی از طبقه عامه مردم، آستین همت بالا بزند و به نجات کشور از دست فتنه انگیزان داخلی قیام کند.